

تبیین کاستی‌های صدور انقلاب اسلامی به کشورهای آسیای میانه بر اساس نظریه پخش

علی باقری دولت‌آبادی^۱

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۸

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی ایران بازتاب‌های گسترده‌ای در منطقه و جهان به همراه داشت. علی‌رغم اینکه بیشترین تاثیر انقلاب اسلامی در سطح منطقه و همسایگان ایران اتفاق افتاد، شواهد گویای آن است که میزان اثرگذاری انقلاب ایران بر کشورهای آسیای میانه محدود بوده است. این درحالی است که مردمان این منطقه همگی مسلمان بوده و برخی به لحاظ زبانی و برخی به لحاظ تاریخی یا قومی اشتراکاتی با ایران دارند. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال است که چرا انقلاب اسلامی نتوانست تأثیر چشمگیری در این منطقه داشته باشد؟ فرضیه پژوهش به وجود مشکلاتی در ساختار سیاسی کشورهای آسیای میانه برای پذیرش انقلاب و نیز مشکلاتی در داخل ایران برای صدور انقلاب اشاره دارد. برای این منظور از روش علی و نظریه پخش استفاده شده و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد وجود مشکلاتی در مبدا و مقصد پخش از جمله عدم توجه مناسب ایران به منطقه، رویکرد عمل‌گرایانه سیاست خارجی ایران، وجود دولت‌های اقتدارگرا در منطقه، وجود رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مهم‌ترین دلایل ناکامی ایران در صدور انقلاب به این منطقه بوده است.

واژگان کلیدی: بازتاب انقلاب اسلامی، نظریه پخش، ایران، آسیای میانه، صدور انقلاب.

مقدمه

انقلاب‌ها معمولاً آثار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهمی در منطقه مربوطه و حتی در سطح جهانی می‌گذارند. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و از همان ابتدا تمام وجه همت مسئولان معطوف به صدور انقلاب گردید. انقلاب ایران افزون بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و جامعه ایران، به فراسوی مرزها نیز حرکت کرد (Menashri, 2007: 153) اما میزان تأثیرگذاری و بازتاب آن در همه جا یکسان نبوده و با توجه به موقعیت‌ها و شرایط، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است (Hunter, 1988: 730). یکی از مناطقی که ایران تلاش کرده است در سیاست خارجی خود به آن توجه و انقلاب خود را به آن صادر کند آسیای میانه بوده است. پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی، مناطق دور افتاده آن در جنوب این کشور، به پنج کشور مسلمان‌نشین در آسیای میانه تبدیل شدند که از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موقعیت و اهمیت ویژه‌ای پیدا کردند. مسلمان بودن این کشورها و وجود برخی اشتراکات فرهنگی بین آنها و ایران، این انتظار را ایجاد کرد که بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر این منطقه بسیار گسترده باشد اما شواهد حاکی از آن است که بازتاب انقلاب اسلامی در این منطقه به جای روند صعودی، روند نزولی را طی کرده است (Herzig, 2004: 503). به نحوی که این موضوع را نه تنها در سردی روابط ایران با این کشورها بلکه در کاهش مراودات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو طرف می‌توان ملاحظه کرد. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل مؤثر در روند کاهش بازتاب انقلاب در این منطقه از منظر نظریه پخش است. سوال اصلی پژوهش این است که چرا با وجود اشتراکات فرهنگی - اجتماعی ایران و کشورهای آسیای میانه، انقلاب اسلامی نتوانست تأثیر چشمگیری در این منطقه داشته باشد؟ فرضیه پژوهش به وجود مشکلاتی در ساختار سیاسی کشورهای آسیای میانه برای پذیرش انقلاب و نیز مشکلاتی در داخل ایران برای صدور انقلاب اشاره دارد. برای این منظور از روش علی (پس رویدادی) و شیوه گردآوری داده به صورت کتابخانه‌ای استفاده شده است.

چارچوب نظری

برای تحلیل بازتاب انقلاب‌ها از نظریه‌های گوناگونی همچون صدور فرهنگی انقلاب،

نظریه گفتمان و نظریه پخش استفاده می‌شود. نظریه پخش یا اشاعه به دلیل ماهیت فرهنگی آن، قابلیت تفسیری یا توجهی چشمگیری برای نشان دادن تاثیرات انقلاب اسلامی بر دیگر کشورها دارد (خانی آرانی و برزگر، ۱۳۹۰: ۲۷). نظریه پخش از جمله نظریه‌های رایج درباره چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست که در سال ۱۹۵۳ هاگر/استرن، جغرافیدان سوئدی، آن را ارائه کرد. هرچند نقطه آغاز کاربرد این نظریه، در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌هایی نظیر سل و وبا بود، اما خیلی زود کاربرد آن در دیگر عرصه‌های فرهنگی و موضوعات علوم انسانی مشخص گردید (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۴). طوریکه نتایج و مطالعات هاگر استرن در کشورهای اروپایی بویژه آمریکا، نظر بسیاری از جغرافی دانان و اندیشمندان را به خود معطوف داشت و از این نظریه برای تبیین چرایی رخداد و گسترش پدیده‌ها در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف از جمله علوم سیاسی و روابط بین‌الملل استفاده شد (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۱۱-۱۱۲). کاربرد این تئوری در باب مسائل و موضوعات مختلف ضمن بیان دلایل آن، توانست رویکردی برای جلوگیری و ممانعت از انتشار و گسترش رویدادها ارائه دهد (Palloni, 2007).

اشاعه یا پخش فرآیندی است که بر اساس آن یک موضوع فرهنگی شاخص جامعه در جامعه دیگر پذیرفته می‌شود. گسترش و پذیرش یک اندیشه و نوآوری یا با انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل صورت می‌گیرد که به آن پخش جابجایی می‌گویند یا از طریق فردی مهم یا توالی منظم دسته‌ها و طبقات انتقال و گسترش می‌یابد که پخش سلسله‌مراتبی نام دارد یا اینکه بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب همانند بیماری‌های مسری صورت می‌گیرد که به پخش سرایتی (واگیر) معروف است (خرمشاد، ۱۳۹۰: ۵۰-۵۱).

از دیدگاه استرن از شش اصل به عنوان اصول و مولفه‌های اساسی این نظریه می‌توان نام برد:

* حوزه و محیط اولیه: اولین عامل، حوزه و محیطی است که در آن پدیده پخش ایجاد می‌شود. این محیط به لحاظ طبیعی یا محیطی، انسانی یا اجتماعی دارای خصوصیات خاصی است.

* زمان پخش: دومین عامل، زمان است. یک پدیده در طول زمان به مناطق دیگر گسترش

می‌یابد، زمان می‌تواند روزها و سال‌ها و به صورت دوره‌های جدا از هم باشد.

- * موضوع یا پدیده پخش: عامل سوم در نظریه پخش به موضوع و پدیده باز می‌گردد. مسئله و رویدادی که از یک حوزه به حوزه دیگر مناطق نشر می‌یابد، می‌تواند نوآوری‌های فنی و علمی، یافته‌های جدید کشاورزی و تولیدی، پدیده‌های اجتماعی چون رفتار، گویش و مد لباس و امراض و بیماری‌های واگیر و یا فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی نظیر انقلاب‌ها باشد.
- * مبدا پخش: پدیده‌ها چون نوآوری و امراض از مکان‌های خاص و مبدا خاصی به دیگر حوزه‌های جغرافیایی انتشار می‌یابند. مبدا پخش دارای خصوصیات و شرایط خاصی برای ایجاد و تشکیل پدیده هستند که به دلیل مقبولیت مردمی به دیگر مناطق گسترش می‌یابند.
- * مقصد پخش: حوزه‌ها و مکان‌هایی که موضوع و پدیده پخش و طول زمان در آن گسترش یافته و بین مردم این مناطق پخش می‌شود.
- * مسیر حرکت پخش: موضوع پخش در مسیرهای خاصی جریان می‌یابد و این مسیرها به دلیل داشتن شرایط خاص، پدیده پخش را به مقصد می‌رسانند (برزگر، ۱۳۸۱: ۳۱).

مبدأ پخش و تاثیر آن بر بازتاب انقلاب ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران با آرمان برقراری حکومت جهانی اسلام و دعوت به مذهب شیعه، به کانون پخش و تراوش در منطقه تبدیل شد. در واقع انقلاب اسلامی از آغاز با ارائه گفتمان جدید خود با عنوان نه شرقی نه غربی، نظم کهن و سنتی متکی بر وابستگی به یکی از دو بلوک شرق یا غرب را بطور جدی و عملی به چالش کشید و با عدم پذیرش این نظم کلاسیک، چالش جدی را پیش پای نظام بین‌الملل در پایان دهه هفتاد قرار داد. همانطور که جان اسپوزیتو می‌گوید: «انقلاب اسلامی به دلیل جذابیت شعارها، هدف‌ها، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام بوده است» (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۲۴۴). بنابراین ایران به عنوان خاستگاه انقلاب اسلامی، مبدأ پخش و صدور انقلاب محسوب می‌شود. اما بعد از استقلال مناطق آسیای میانه، در ایران به عنوان مبدا پخش مشکلاتی وجود داشت که مانع از آن می‌شد تا بتواند به عنوان مبدأ پخش در این منطقه تأثیرگذار باشد. اولین مساله به قرأت متفاوت دولت

پنجم و ششم از صدور انقلاب باز می‌گشت. هاشمی رفسنجانی در مقام ریاست جمهوری ایران در آن سال‌ها از دوران صدور انقلاب به صورت صدور ایدئولوژیکی گذر کرده بود و معرفی آن به جهان از راه الگوی اقتصادی شدن را در سر می‌پرورانید. وی اعتقاد چندانی به روش‌های آزموده شده قبلی درباره صدور انقلاب نداشت و نوعی عملگرایی به جای آرمانگرایی را دنبال می‌کرد. این عقیده که ایران به عنوان شاهراه یا پلی برای آسیای میانه محسوب می‌شود نکته کلیدی تفکر ژئوپلیتیکی ایران در آن سال‌ها بود (Milani & Mankoff, 2016: 26). برای تبدیل شدن ایران به شاهراه اقتصادی آسیای میانه، بیش از هر چیز نیاز به ثبات و آرامش در ایران و توجه به حوزه اقتصاد بود.

هاشمی رفسنجانی بر این امر تأکید کرد که ما برای پیگیری سیاست صدور انقلاب نیازمند اقتصادی قوی و پویا هستیم و با الگوسازی اقتصادی می‌توان انقلاب را صادر کرد. از نظر او بدون پشتوانه مادی تولید، نمی‌توان انقلاب را صادر کرد و از سویی بقای نظام را نیز نمی‌توان تضمین کرد. به نظر می‌رسد که بزرگترین چالش دولت هاشمی رفسنجانی تضاد برخی سیاست‌ها و راهبردهای این دولت با اهداف قانون اساسی بود که در آن از تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان و دفاع از مستضعفان عالم و همچنین به چالش کشاندن وضع موجود و ناعادلانه جهان سخن گفته شده بود. این در حالی بود که سیاست اقتصادی نه بر محور اسلامی بلکه بیشتر بر محور اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری حرکت می‌کرد. بنابراین برای فائق آمدن بر این تضاد، اکبر هاشمی رفسنجانی تلاش نمود تفسیر خویش از صدور انقلاب را بر دستگاه سیاست خارجی ایران حاکم نماید. برای این کار از یکسو اولویت صدور انقلاب، به جهان اسلام و منطقه داده شد و از سوی دیگر در جهان اسلام، شیعیان و توجه به آنها در صدر برنامه‌های صدور انقلاب نشست. بدین ترتیب صدور انقلاب، محتوای فیزیکی و نظامی را از دست داد و مترادف با ارائه الگوی توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی به سایر کشورها، عمدتاً کشورهای اسلامی تعریف گردید (امیری، ۱۳۸۵: ۱۵۵؛ ازغندی، ۱۳۷۸: ۹۰). بنابراین عمل‌گرایی در سیاست خارجی موجب آن شد که ایران روابط خود را با کشورهای آسیای میانه بر اساس اولویت دادن به منافع ملی و روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نه منافع فراملی و ایدئولوژیکی تنظیم کند (باقری دولت‌آبادی و شفیعی، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۱).

مقصد پخش و تاثیر آن بر بازتاب انقلاب ایران

آسیای میانه سرزمینی است که در اینجا به عنوان مقصد پخش انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. به طور طبیعی محیط حوزه‌های پخش، گاه پذیرا (دارای تجانس فکری و فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی) و گاه ناپذیراست. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد همگرایی و عوامل ناپذیر موجب تأثیرپذیر نبودن از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شوند (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۸۸). ایران به عنوان کشوری دارای طولانی‌ترین مرز با اتحاد جماهیر شوروی سابق و همچنین روابط گسترده تاریخی و قومی با این مناطق از موقعیت ویژه‌ای برای صدور انقلاب برخوردار بود. پیوند آسیای میانه با ایران به قبل از ظهور اسلام و بلکه به قبل از ظهور مسیحیت برمی‌گردد. هر دو مسلمان بودند و گذشته از این مساله منطقه عظیمی از آسیای میانه کنونی در گذشته جزئی از ایران بوده است (آکیز، ۱۳۷۶: ۳۴۰). بنابراین قرابت‌ها و اشتراکات گسترده و عمیق تمدنی، تاریخی، دینی، زبانی و قومی با ملت‌های منطقه و میراث و مفاخر مشترک فرهنگی و ادبی با ملت‌های منطقه، علاقه‌مندی ملل این منطقه به فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی و زبان و ادبیات فارسی، از جمله عوامل پذیرا محسوب می‌شدند.

اما در کنار این عوامل، عوامل دیگری هم وجود داشت که می‌توانست به کم‌پذیرا شدن این محیط کمک کند از جمله تأثیرات گسترده و عمیق روسیه در فرهنگ و هویت ملل این منطقه، پراکندگی اقوام روس، نهادینه شدن و رسمی شدن زبان روسی در این منطقه و تأثیر مفاخر و ادبیات روسی در آسیای میانه. روس‌ها پیوسته از حضور فرهنگی بازیگران دیگر در مناطق جنوبی خود ترس داشته و تلاش کرده‌اند تا به اشکال مختلف جلوی این حضور را بگیرند. ناکامی ایران برای پایان دادن به جنگ‌های داخلی تاجیکستان و کشاندن آنها بر سر میز مذاکره در تهران تا زمانی که روس‌ها موافقت خود را ابراز نداشتند، شاهد برجسته‌ای در این باره است. لذا ایران سعی می‌کرد که بدون ترکیب روسیه، نفوذ خود را بر این منطقه مستحکم گرداند. این نفوذ در ابتدا به صورت فرهنگی و سپس به صورت مبادلات اقتصادی و سیاسی انجام پذیرفت (آقایی، ۱۳۸۶: ۱۰). در این سال‌ها تهران از یک طرف می‌کوشید سیاست محتاطانه‌ای در حمایت از جمهوری‌های شوروی سابق اتخاذ کند و از طرف دیگر به

طور همزمان، روابط قوی خود با دولت مسکو را تداوم بخشید. این رویکرد دوجانبه جوهره رفتار ایران نسبت به کشورهای همسایه شمالی قدیمی و جدید خود را تشکیل داد. چنین رویکردی نه تنها به خوبی با وضعیت سیاسی مسکو مطابقت داشت، بلکه مورد استقبال اکثر جمهوری‌های مستقل شوروی سابق نیز قرار گرفت (Druzhilovsky, 2017: 22). این رویکرد اگرچه مفید و سازنده بود و دولت را در پیگیری اهداف اقتصادی-سیاسی خود در روابط با روسیه یاری می‌رساند اما دست دولت را در این مناطق می‌بست. به عبارت دیگر ایران بدون کمک‌های فنی و تکنولوژیکی روسیه نمی‌توانست در برابر تحریم‌های داماتو و سیاست مهار دوگانه آمریکا مقاومت کند و این امر به پاشنه آشیل سیاست‌های دولت در آسیای میانه تبدیل شده بود.

لذا ایران از سرمایه‌های فرهنگی خود تنها توانست در تاجیکستان آن هم بواسطه قربات تاریخی و زبانی بهره جوید و عملاً سایر دولت‌های آسیای میانه که چنین قرباتی نداشتند رفته‌رفته از ایران بیشتر دور شدند. بویژه اینکه مذهب این کشورها اهل تسنن و نژادشان ترک بود (اسپوزیتو، ۱۳۸۲ : ۲۱۹). حتی باوجود اینکه ایران حدود ۵۰۰۰۰۰ ترکمن در مناطق شمالی خود داشت اما نقش حاشیه‌ای آنها در انقلاب اسلامی موجب گردید تا از ظرفیت زبانی و مذهبی آنها نیز به خوبی برای صدور انقلاب بهره گرفته نشود. گذشته از این مساله، تبلیغات منفی در این کشورها که عموماً از سوی عربستان و اسرائیل صورت می‌گرفت نیز بر دوگانگی شیعه و سنی افزود (Peyrouse, 2014: 1). آنها وضع نامناسب برادران اهل سنت خود در ایران را نشانی از عدم صداقت ایران می‌دانستند. لذا چندان از کمک‌های مالی و فرهنگی ایران استقبال نمی‌کردند. در عوض این ترکیه و عربستان بودند که روز به روز بر دامنه نفوذ خود در این کشورها افزودند. آنها برای این کار تسهیلات خاص خود را داشتند. اولاً نه همانند ایران بعد از جنگ از مشکلات مالی رنج می‌بردند و نه با فشارهای تحریمی آمریکا مواجه بودند (Abedi Gonabad et al, 2017: 842).

از جمله مشکلات دیگر کشورهای آسیای میانه برای پذیرش آرمان‌های انقلاب ایران، قرار داشتن آن ذیل سلطه کمونیسم بود. اگرچه این کشورها به ظاهر از شوروی مستقل شدند اما عملاً نفوذ رهبران کمونیست در آنها تداوم پیدا کرد. دولت‌های این کشورها نسبت به

جریان‌های اسلامگرا به شدت نگران بودند و آن را خطری برای خود احساس می‌کردند (Hunter, 1996: 287-303). یکی از مهمترین عواملی که از همان سال‌های نخست پس از فروپاشی شوروی به عنوان عاملی «حساسیت‌زا» در نگاه رهبران آسیای مرکزی نسبت به روابط با ایران معرفی شد، وجهه مذهبی نظام جمهوری اسلامی ایران و طرح این ادعا - در داخل و خارج از منطقه - بود که ایران قصد دارد ضمن اعمال نفوذ بر جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی، زمینه روی کار آمدن دولت‌های اسلامی را در این کشورها فراهم سازد (Wastnidge, 2014: 103). به همین خاطر این دولت‌ها در روابط خود با ایران جانب احتیاط را رعایت کرده، از فعال شدن ایران در کشور خود امتناع می‌کردند.

زمان پخش و تاثیر آن بر بازتاب انقلاب ایران

در بررسی انقلاب‌ها و بازتاب آن در جهان، دیدگاه کلی که از سوی برخی تحلیلگران همچون گراهام فولر مطرح شده این است که بیشترین تاثیر انقلاب بر محیط پیرامون خود و جهان را در همان سال‌های آغازین انقلاب باید جستجو کرد و هر چه از انقلاب دورتر می‌شویم این بازتاب‌ها کاهش پیدا می‌کند (فولر، ۱۳۷۳: ۵۶). به عبارت دیگر نوعی رابطه معکوس بین زمان و میزان پذیرش وجود دارد. هرچه زمان افزایش پیدا می‌کند میزان پذیرش انقلاب کاهش پیدا می‌کند (جردن و راونتري، ۱۳۸۰: ۲۶). در مورد انقلاب اسلامی ایران نیکی کدی بر این اعتقاد است که تاثیر محسوس انقلاب اسلامی و الهام‌بخشی آن برای بسیاری از جریان‌های اسلامی در جهان اسلام صرفاً محدود به زمان وقوع انقلاب و چند ماه پس از پیروزی آن بوده است (Keddie, 1980: 118). پس در مورد موضوع پژوهش یعنی آسیای میانه، به لحاظ زمانی سه مشکل جدی برای بازتاب گسترده انقلاب ایران قابل شناسایی است. نخست اینکه در زمان اوج صدور انقلاب، این مناطق تحت تاثیر فرهنگ و سلطه کمونیسم بودند و عملاً امکان صدور انقلاب وجود نداشت. دوم اینکه زمانی که این جمهوری‌ها به استقلال رسیدند تب صدور انقلاب به لحاظ زمانی و طبق منطق فوق‌الذکر فروکش کرده بود. سوم اینکه ظهور این دولت‌ها مصادف با طرح نظریه‌هایی همچون پایان تاریخ و جنگ تمدن‌ها بود و در فضای فوق‌الذکر علاوه بر موج اسلام‌هراسی، کوبیدن بر طبل دموکراسی رواج داشت. لذا سایر الگوهای سیاسی حکومتداری دینی چندان جایی برای

طرح شدن نداشتند.

موضوع پخش و تاثیر آن بر بازتاب انقلاب ایران

موضوع پخش انقلاب اسلامی طیف متنوع و وسیعی از انواع تاثیرات را تشکیل می‌دهند که عبارتند از: لباس و پوشاک اسلامی، حضور بیشتر در مساجد و مکان‌های مذهبی و رونق‌گیری مساجد از جوانان، تاسیس سازمان‌های مذهبی و مبارزه، جدی شدن موضوع دین برای جوامع مسلمان‌نشین، الهام‌گیری از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلاب اسلامی، مطالبات اجرای شریعت و احترام به شعائر مذهبی، اعتماد به نفس سیاسی، ترویج و تقویت آرمان مبارزه با اسرائیل، ایده وحدت شیعه و سنی، ایجاد جامعه و دولت اسلامی (خانی آرنی و برزگر، ۱۳۹۰: ۱۳۲). در مورد کشورهای آسیای میانه، آنچه که می‌تواند به عنوان بازتاب انقلاب اسلامی شناسایی شود بیشتر به پیگیری ایجاد جامعه و دولت اسلامی و ترویج و تقویت آرمان مبارزه با اسرائیل بازمی‌گردد. اگرچه در مورد اولی ظاهر امر از وجود دولت‌های اسلامی در این کشورها خبر می‌دهد اما باطن امر همانگونه که در ادامه اشاره خواهد شد از محدودیت‌های اجرای شریعت و تاسیس سازمان‌های اسلامی خبر می‌دهد. حتی در مورد مبارزه با اسرائیل اگرچه شرایط این کشورها با پیش از استقلال فرق کرده اما هیچگاه جنس و شکل این واکنش‌ها مشابه ایران، پاکستان و افغانستان نشده است.

مسیرهای پخش و تاثیر آن بر بازتاب انقلاب ایران

منظور از راه‌ها و مسیرهای پخش، مجاری است که از طریق آنها امکان سرایت یک پدیده از مبدأ پخش به مقصد پخش فراهم می‌شود. در موضوع مربوط به مسیرهای پخش، حداقلی از افراد لازم‌اند که رفتاری را انجام دهند تا پس از آن، جریان اشاعه، خود به خود مانند توده برفی که به بهمن تبدیل می‌شود ادامه یابد (رفیع پور، ۱۳۸۶: ۸۸). پس از فروپاشی شوروی و تشکیل پنج کشور مسلمان‌نشین در آسیای میانه که از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موقعیت ویژه‌ای یافتند، ایران تلاش کرد با الگوی خاصی که از انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد، از رهگذر ارتباط و تماس مستقیم با کشورهای این منطقه، حضور و نفوذ خود را افزایش دهد.

از این رو به تأسیس نمایندگی‌های سیاسی خود در این کشورها و نهادی در وزارت امور خارجه اقدام کرد. در قالب این اقدامات، قرار بود موضوع پخش به صورت جدی دنبال گردد. با توجه به اینکه بازتاب انقلاب‌ها معمولاً از سه طریق پخش جابجایی، سلسله‌مراتبی و سرایتی صورت می‌گیرد در ادامه تلاش می‌گردد موانع پیش‌رو برای صدور انقلاب بر اساس این سه راه تبیین گردد.

الف - تاثیر انقلاب اسلامی و پخش جابجایی

پخش جابجایی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابد (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۷). دعوت از شخصیت‌های ترکمنستانی، تاجیکستانی، قزاقستانی و ازبکستانی به تهران، اعزام هیئت‌هایی به کشورهای آسیای میانه، اعطای بورسیه تحصیلی به دانشجویان یا طلاب، نمونه‌هایی از پخش جابجایی محسوب می‌شوند. به طور طبیعی آنان در بازگشت به سرزمین‌شان و یا در رفت و آمدهای خود به سوی مرزها، می‌توانند حامل پیام‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی باشند و به عامل پخش ایده و اندیشه اسلامی و انقلابی تبدیل شوند. متأسفانه درخصوص میزان مسافرت شخصیت‌های برجسته علمی و مذهبی کشورهای این منطقه هیچ آماری در دست نیست. آنچه که وجود دارد و می‌تواند مورد استناد قرار گیرد آمار تعداد دانشجویان است که در نوع خود بسیار گویاست. متأسفانه آمار منتشر شده درباره دانشجویان خارجی تحصیل کرده در ایران نشان می‌دهد که علی‌رغم تشابهات فرهنگی و پیشینه مشترک تاریخی، تعداد دانشجویان آسیای میانه در ایران بسیار اندک بوده است (ذاکر صالحی و صالحی نجف آبادی، ۱۳۹۱: ۷۰).

علاوه بر دانشجویان، حضور شخصیت‌های ایرانی در آسیای میانه نیز می‌تواند کار پخش و جابجایی را انجام دهد از جمله آنها می‌توان به فرستادن بازیگران، هنرمندان، خوانندگان و... اشاره کرد. همچنین نهادها و مجاری دیگری هم کار پخش را صورت می‌دهند، از جمله نهادهایی نظیر سپاه پاسداران، سفارتخانه‌ها یا رایزنی‌های فرهنگی (وزارت ارشاد و سازمان فرهنگ و ارتباطات) جهاد سازندگی، وزارت بازرگانی و نیز نهادهایی نظیر حوزه‌های علمی و صدا و سیما. اما با وجود

اینها در این نوع پخش مشکلاتی برای ایران وجود دارد. از جمله اینکه به غیر از ترکمنستان، ایران با هیچ یک از کشورهای آسیای میانه مرز خشکی ندارد و این امر کار جابجایی را دشوارتر می‌سازد. گذشته از این مساله تبلیغات منفی علیه انقلاب ایران در این کشورها جذابیت‌های لازم برای این سفرها را از بین می‌برد. همچنین وجود مراکز علمی، مذهبی و تفریحی بیشتر در کشورهای ترکیه و عربستان، عملاً این کشورها را به مقاصد اصلی سفر تبدیل می‌کند. عربستان سعودی از سال‌های آغازین استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی مبالغ هنگفتی در راستای ترویج سنت‌های مورد نظر خود در این مناطق هزینه کرده است. توزیع قرآن، احیای مساجد و نهادهای رسمی، اعزام روحانیون و مفتی‌ها مورد توجه جدی این کشور قرار گرفته است. با توجه به دشواری‌های اقتصادی ایران پس از جنگ تحمیلی، کمک‌های مالی عربستان برای کشورهای منطقه می‌توانست جاذبه بیشتری داشته باشد (کولایی و خوانساری، ۱۳۹۲: ۲۵۸).

در این میان ایران تنها توانست از فرصت حضور دانشجویان و طلاب که با بورسیه ایران در تهران تحصیل می‌کردند بهره‌برداری کند (Mesbahi, 1994: 123). این گروه نیز بواسطه عدم دقت در اعطای بورسیه‌ها و نیز عدم توجه به شرایط اجتماعی- اقتصادی کشورهای آنها، هیچگاه نتوانستند مشابه هم‌تایان افغان، عراقی یا لبنانی مُبلغ انقلاب اسلامی ایران در کشور خود باشند. نکته بسیار مهمی که ایران به آن توجه نکرد شرایط و تجربه‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جوامع آسیای میانه بود. به بیان شیرین هانتر، گرایش به اسلام انقلابی در کشورهایی مثل ایران در پی تجربه ناموفق سیاست‌های غربی شدن حکومت و دشواری‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از آن و خلاء ایدئولوژیک مربوط به آن نسبت به ایدئولوژی‌های غربی و شرقی گسترش یافته است. حتی اگر آسیای میانه را مایل به حرکت در این مسیر بدانیم، گرایش‌های ضد غربی در این جمهوری‌ها هنوز قوت نگرفته است. در هیچ یک از جمهوری‌های آسیای میانه هنوز پیامدهای مدل غربی توسعه اقتصادی- اجتماعی تجربه نشده است. بنابراین احساس و ادراک کشورهای حامی اسلام انقلابی را نمی‌توانند داشته باشند. از سوی دیگر آنها تجربه سیاست‌های استعماری غرب را ندارند و برآورد منفی رایج در کشورهای خاستگاه اسلام انقلابی را تجربه نکرده‌اند. به این ترتیب، زمینه‌های لازم برای توسعه مدل اسلامی انقلاب ایران در این منطقه فراهم نیست، اگر هم اسلام مبنای شکل‌گیری

نظام سیاسی قرار گیرد با گرایش ضد غربی نخواهد بود (Hunter, 1992: 57-71). لذا طبیعی بود که طلاب و یا دانشجویانی که به ایران می‌آمدند و بازمی‌گشتند و قرار بود نقش پخش جابجایی را ایفا کنند به اندیشه اسلام انقلابی آنچنان که در ایران مرسوم بود گرایش نشان ندهند (کولایی، خوانساری، ۱۳۹۳: ۲۶۵-۲۶۴).

همچنین باید اشاره کرد که اگرچه تشابهات فرهنگی بین ایران و کشورهای آسیای میانه وجود داشت اما این تشابهات گاه به جای نقش مثبت، نقش منفی ایفا می‌کرد. به عنوان مثال وجود مفاخر ادبی مشترک و مصادره ملیت شاعرانی چون رودکی و ناصر خسرو از سوی تاجیکستان، فارابی از سوی قزاقستان و خوارزمی از سوی ازبکستان همواره محل مناقشه و اختلاف بوده است. در شرایط پس از استقلال، این کشورها که هنوز هویت تثبیت شده‌ای نداشتند می‌کوشیدند تا از راه جعل، تاریخ هویت خود را اثبات سازند برای این کار توسل به مشاهیر ادبی امری طبیعی بود. اما این تمایل در ایران هیچگاه پذیرفته نشد و همواره مورد اعتراض بود. در این فضای اختلاف‌زا گاه سوء استفاده‌های آمریکا و ترکیه و دامن زدن به جو تبلیغاتی منفی، فضا را از آنچه بود بدتر می‌کرد (Demir, 2009: 91). اقداماتی مانند پاک‌سازی کتابخانه‌های سمرقند و بخارا از کتاب‌های فارسی، تحریف تاریخ در کتاب‌های درسی آسیای میانه، ایجاد تصویری مخدوش و تجاوزطلب از ایران در ذهن دانش‌آموزان و دانشجویان آسیای میانه در چنین فضایی شکل گرفتند.

جدای از تبلیغات منفی و تاثیرات آن، خوش‌بینی و عدم واقع‌بینی مسئولان جمهوری اسلامی و عدم وجود طرح و برنامه مناسب برای حضور و نفوذ فرهنگی گسترده به وجود همه قربات‌های فرهنگی - تاریخی با این منطقه نیز در کاهش بازتاب انقلاب اسلامی بی‌تاثیر نبوده است. در ابتدای استقلال این کشورها جمهوری اسلامی ایران با نگاهی خوش‌بینانه، این کشورها را مستعد شکل‌گیری نظام‌های اسلامی به سبک و سیاق نظام خود می‌دانست. فعالیت‌هایی نیز صورت گرفت که نتیجه‌ای معکوس داد و موجبات بدبینی سران و نخبگان این منطقه را موجب شد (حجتی، ۱۳۹۵: ۴۷).

ب- تأثیر انقلاب اسلامی ایران و پخش سلسله‌مراتبی

در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از طریق توالی منظم

دسته‌ها و طبقات، منتقل شده و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر یا از یک مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترش می‌یابد (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۷). وقایع و پیام‌های انقلاب برای مسلمانان شوروری که تحت سیطره کمونیسم بودند جذابیت فراوانی داشت و شخصیت کاریزماتیک امام خمینی (ره) تأثیر عمیقی بر مسلمانان این منطقه گذاشت، آنها امیدوار بودند با الهام‌بخشی از انقلاب ایران که توانسته است در مقابل آمریکا ایستادگی کنند، آنها نیز بتوانند در مقابل روسیه مقاومت کنند. انقلاب اسلامی همچنین پیام آزادی و رهایی را به مسلمانان این کشورها منتقل کرد.

در آن سال‌ها ویژگی‌های مهم شخصیتی امام خمینی (ره) و قدرت کلام، پیام و عمل ایشان، تأثیر عمیقی بر میلیون‌ها انسان اعم از مسلمان و غیرمسلمان در این مناطق گذاشت. به نظر می‌رسد آنچه که برای این مردمان از شخصیت امام خمینی (ره) جذاب بوده است عرفان و جایگاه مذهبی ایشان و توجه به اسلام و قرآن در دوره‌ای است که کمونیسم مانع اجرای فرایض دینی در این کشورها بوده است. اما مشکل اصلی که وجود دارد این است که در اینجا این ابراز علاقه‌ها به صورت شخصی و پراکنده باقی مانده و جریان‌ساز نشده است. به عبارت دیگر، ما شخصیت‌هایی همچون آیت الله حکیم در عراق، سید حسن نصرالله در لبنان، احمد شاه مسعود در افغانستان و... را نداریم که پیام مبارزه با استبداد و استکبار را از انقلاب ایران و رهبر آن گرفته و تشکیل جریان یا حزب داده باشند و در صدد اصلاح جامعه برآیند. علت اصلی عدم موفقیت پخش سلسله‌مراتبی به عدم شکل‌گیری جنبش و نهضت‌های اسلامی متأثر از ایران در این منطقه بازمی‌گردد.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، سه جنبش در آسیای میانه فعالیت‌های خود را گسترش دادند: نهضت اسلامی تاجیکستان، جنبش اسلامی ازبکستان و حزب التحریر. ریشه همه آنها به نهضت بیداری اسلامی سید جمال الدین اسدآبادی (۱۸۹۸-۱۸۲۸) بازمی‌گشت (کولایی و خوانساری، ۱۳۹۲: ۲۵۰). این احزاب عموماً متأثر از فضای دین‌ستیزی شدید در دوران کمونیسم سر برآوردند و کوشیدند با تکیه بر اسلام، هویت دولت‌های تازه‌تاسیس را شکل دهند. وابستگی فکری این جریان‌ها به وهابیت در عربستان و تعلق داشتن آنها به مذهب اهل تسنن موجب گردید تا نتوانند پیوندهای قوی را با تهران شکل دهند و حامل پیام انقلاب ایران

گردند. همچنین رقابت‌های شدید آنها با احزاب سیاسی ملی‌گرا و مشی تند آنها خیلی سریع واکنش دولت تاجیکستان و ازبکستان را برانگیخت و منجر به سرکوب آنها شد. ۱۱ سپتامبر و مبارزه با تروریسم نیز بستر لازم برای دولت‌های آسیای میانه را فراهم ساخت تا بدون مشکل و در دسر این احزاب را از سر راه خود برداشته و غیرقانونی اعلام نمایند. بدین ترتیب آنچه که می‌توانست از طریق افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) در این مناطق رشد کند عملاً از دست رفت. شاید به همین خاطر است که نتایج پژوهش کولایی (۱۳۸۴: ۲۲۴-۲۰۱) و نیز آقایی و دمیری (۱۳۹۳: ۱-۳۹) نشان می‌دهند اسلامگرایی در این مناطق بیشتر تحت تاثیر تحولات افغانستان و منطقه بوده است تا ایران.

نکته دیگری که کمتر به آن توجه شده و در نارسایی پخش سلسله‌مراتبی موثر بوده است را می‌توان در فضای حاکم بر گفتمان انقلاب اسلامی جستجو کرد. اساساً اگرچه انقلاب ایران بعد ضد استبدادی، ضد استکباری و ضد امپریالیستی داشت اما این ابعاد در سخنرانی‌های امام خمینی (ره) و مقامات ایرانی مصداق چندانی در آسیای میانه پیدا نکرد. در عوض آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفت آزادی قدس، مساله فلسطین و نابودی اسرائیل بود. برای مثال امام خمینی (ره) از همان ابتدا مساله فلسطین را در صدر توجه قرار دادند و معتقد بودند در صورت اتحاد جهان اسلام، امکان نابودی اسرائیل وجود دارد (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۳۹). امام خمینی (ره) در صحبت‌های خود بیشتر از نظام‌های سیاسی مرتجع در جهان عرب سخن می‌گفتند و خواستار اصلاح آن بودند. اما این توجه و رویکرد ویژه به آسیای میانه هیچگاه وجود نداشت. رویکرد ایران به این منطقه به طور چشمگیری از تاثیرهای ایدئولوژیک به دور بود و تمرکز ایدئولوژی ایران به طور جدی در مناطق دیگر بویژه خاورمیانه وجود داشت (Hunter, 2003: 133-148).

پ- تاثیر انقلاب اسلامی و پخش سرایتی

در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد؛ مانند اشاعه بیماری‌های مسری، چون پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود. این فرایند به شدت تحت تاثیر فاصله قرار دارد؛ بنابراین افراد و نواحی نزدیک نسبت به افراد و نواحی دور دست احتمال تماس بیشتری دارند (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۸). ایران اگرچه با ترکمنستان

مرز خشکی و با قزاقستان مرز دریایی داشت اما با دولت‌های تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان هیچ ارتباط زمینی و دریایی نداشت. حتی در دو مورد نخست نیز ارتباطات عموماً از نوع اقتصادی بودند تا سیاسی و ایدئولوژیک. لذا چند عامل مانع از ایفای نقش صحیح این الگوی پخش در این مناطق می‌شد.

مساله اول بعد مسافت و عدم دسترسی مستقیم ایران به برخی مناطق بود. دوری مسافت و عدم پیوستگی جغرافیایی مانع از آن می‌شد که ایران در صدور انقلاب به آسیای میانه موفق باشد. **مساله دوم** به موانع منطقه‌ای و بین‌المللی پیش روی ایران برای صدور انقلاب بازمی‌گشت. در واقع؛ انعکاس صدای انقلاب ایران در آسیای میانه به نسبت صداهای مخالف بسیار ضعیف بود. این صداهای مخالف هم در شوروی وجود داشت هم در خارج از منطقه. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ نگرانی رهبران اتحاد شوروی را از انتقال اندیشه سیاسی دینی تشدید کرد. ایده ایجاد کمربند سبز از آغاز دهه ۱۹۸۰ در اطراف اتحاد شوروی از همین دوره مطرح شد. روس‌ها برای پایان دادن به هراس خود از تشکیل حکومت‌های اسلامگرا در پیرامون اتحاد شوروی و تاثیر تحولات داخلی ایران بر افغانستان با حضور ارتش سرخ، خاک این کشور را اشغال کردند (بنینگسن و براگس آپ، ۱۳۷۰: ۱۸۳-۱۸۲). اما این اشغال به جای مهار انقلاب ایران بستر فروپاشی اتحاد شوروی را فراهم کرد. بعد از فروپاشی شوروی اگرچه ترس و نگرانی‌های روسیه از انقلاب ایران با سیاست عملگرایانه دولت ایران کمتر شده اما از بین نرفته بود. در هر صورت روسیه هنوز جمعیت قابل توجهی مسلمان در داخل خود داشت که می‌توانستند از حوادث آسیای میانه و گسترش جریان‌های اسلامی رادیکال در این منطقه متأثر گردند. روسیه در عمل نشان داد که از گسترش اسلامگرایی در هراس است (Ibrahimov, 2017: 1). روسیه در مواردی نیز با اعزام نیروهای نظامی خود به سرکوب نیروهای محلی مبادرت کرد، برای مثال ارتش روسیه در جنگ داخلی تاجیکستان از پاییز ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ به منظور حمایت از گروه‌های کمونیستی تاجیکستان و مقابله با نیروهای اسلامگرا مداخله نظامی کرد (یزدانی، ۱۳۸۴: ۲۰۵). روسیه حتی کوشید با انعقاد قراردادهای مختلف اقتصادی و نظامی، هم درصدد احیای اقتصاد بیمار خود برآید و هم اینکه ایران را برای صدور انقلاب خود به این مناطق تحت فشار قرار دهد. تقریباً می‌توان گفت در این سیاست نیز تا حد زیادی موفق بود. مهمترین حوزه

تأثیرگذاری بر سیاست خارجی ایران، کمک روسیه در ساخت، تکمیل و بهره‌برداری از نیروگاه هسته‌ای بوشهر است که در قراردادی به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ مسکو تعهد کرد تا پایان سال ۲۰۰۳ آن را راه‌اندازی کند (جلالی، ۱۳۸۲: ۱۵۷). ایران دومین وارد کننده سلاح از روسیه پس از هند گردید (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۴۳) و بخش پدافند هوایی و نیروهای زرهی با کمک‌های روسیه احیا شد.

اما مخالفین صدور انقلاب ایران به آسیای میانه تنها به روسیه محدود نمی‌شد. درست در همان سال‌هایی که یلتسین می‌کوشید تا به غرب نزدیک گردد و دست به ایدئولوژی‌زدایی در روسیه بزند آمریکا در حال تقویت حضور خود در آسیای میانه بود. از نگاه آمریکا نشر انقلاب ایران به این منطقه می‌توانست منافع این کشور را با خطر جدی مواجه سازد. هدف کلان آمریکا در آسیای میانه، حفظ وضع ناپایدار موجود، حضور و نفوذ سیاسی، اقتصادی و امنیتی درازمدت در منطقه و مقابله با نیروهایی است که در راستای منافع آمریکا قرار ندارند. در کنار این اهداف کلان آنها اهداف اجرایی را نیز دنبال می‌کنند. این اهداف عبارتند از: دستیابی به منابع نفت و گاز و کنترل استخراج و صدور آن، دستیابی به بازارهای منطقه و گسترش تجارت در آن، حفظ وضع موجود و تقویت نهادهای مدنی کشورهای منطقه در راستای اهداف درازمدت خود، مقابله با نفوذ روسیه، ایران و رقابت با چین و حمایت از گسترش نفوذ ترکیه (Oliker & Shlapak, 2005: 23-30). این منافع پس از ۱۱ سپتامبر رنگ و بوی امنیتی نیز پیدا کرد. آمریکا آسیای میانه را در کنار افغانستان و پاکستان یکی از منشاءهای ظهور رادیکالیسم مذهبی می‌دید. پس با تقویت حضور نظامی خود در این کشورها کوشید علاوه بر دور کردن نظام‌های سیاسی این دولت‌ها از روسیه و وابسته کردن آنها در بعد امنیتی به خود، مهار جریان‌ات اسلامی را نیز در دست بگیرد. پایگاه‌های نظامی آمریکا در قرقیزستان و ازبکستان در حال حاضر از فعال‌ترین پایگاه‌های واشنگتن در منطقه محسوب می‌شود که هدایت عملیات‌های نظامی این کشور را بر عهده دارند. حضور مکرر و مستمر مقامات نظامی آمریکا در منطقه و دیدار آنها با مسئولان قرقیزستانی و ازبک گویای اهمیت این منطقه و نقش این دولت‌ها در ترتیبات جدید امنیتی آمریکا است (کولایی، ۱۳۸۴: ۴۶).

همچنین آمریکا تبلیغات شدید و منفی را در این مناطق به راه انداخته و همچنان ادامه

دارد؛ محور اصلی این تبلیغات تلاش ایران برای تقویت شیعیان و تضعیف اهل تسنن و مداخله در امور سیاسی این دولت‌ها است. این تلاش‌ها حتی منجر به نگرانی‌هایی در دستگاه حاکمیتی این کشورها گردید (Blank, 2005: 29). اکثر رهبران کشورهای جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی، وابستگان سابق به حزب کمونیسم بودند که از نشر و گسترش اسلام به شدت احساس خطر می‌کردند. رؤسای جمهور ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان، اسلام کریم‌اف، صفر مراد نیازاف و نورسلطان نظربایف، به ترتیب رئیس حزب کمونیست در کشورهای خود بودند. رئیس جمهور تاجیکستان، امام علی رحمان اف، از مقامات رسمی سابق حزب کمونیست در منطقه کلیب^۱ این کشور بود. تنها رئیس جمهور سابق قرقیزستان، عسکر آقایف، متعلق به حزب کمونیست نبود. آنها اسلام را نیرویی برای بسیج سیاسی مخالفین می‌دیدند. به همین خاطر با اقدامات خود به محدود ساختن نقش اسلام در زندگی مردم این منطقه پرداختند از جمله این اقدامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

در تاجیکستان دانشجویان علوم دینی از سایر کشورها به تاجیکستان فراخوانده شدند، نامگذاری کودکان به نام‌های اسلامی ممنوع اعلام شد و ممنوعیت حجاب برای دانش‌آموزان اجرا شد. در قزاقستان نیز با داشتن حجاب مخالفت شد. همچنین این دولت‌ها دست به ایجاد موانع قانونی برای فعالیت گروه‌های مذهبی و اسلامی زدند. بعنوان مثال در ازبکستان در ماه مه ۱۹۹۱ قانونی به تصویب رسید که فعالیت سازمان‌ها و تشکیلات مذهبی را محدود می‌کرد. در سال ۲۰۰۰ دولت، طاهر یلداشف و جمعه نمنگانی از رهبران حزب جنبش اسلامی را که بدنبال برقراری نظم و قانون از راه شریعت بودند به اتهام بمبگذاری در تاشکند محکوم و سایر رهبران و اعضای حزب را بازداشت کرد (شیرازی، ۱۳۸۴: ۱-۲۴). همچنین حزب تحریر که بیشتر یک جریان ایدئولوژیک است تا حزب سیاسی در ازبکستان و قرقیزستان غیرقانونی خوانده شد (سلیمی و هفت آبادی، ۱۳۸۷: ۸۹). در سال ۲۰۱۵ در تاجیکستان حزب نهضت اسلامی یک گروه تروریستی خوانده شد و دولت دست به بازداشت رهبران آن زد. بنابراین ایران در این شرایط اقتدارگرایی نه تنها فرصت مناسبی برای صدور انقلاب خود در این منطقه به دست نیاورد بلکه بیشتر در لاک حزم‌اندیشی فرو رفت. وضعیت سیاسی نامناسب کشورهای آسیای میانه برای پذیرش انقلاب ایران را از نوع نظام سیاسی و طول مدت حکومت رهبران

آنها که در جدول ذیل آمده است به خوبی می‌توان فهمید.

جدول شماره ۱: نظام‌های سیاسی کشورهای آسیای میانه

کشور	نوع نظام سیاسی	رهبران بعد از استقلال	مدت حکومت
ازبکستان	جمهوری ریاستی و تمرکزگرا	اسلام کریم اف	۲۷ سال
تاجیکستان	ریاستی و تمرکزگرا	امامعلی رحمان اف	۲۵ سال
ترکمنستان	ریاستی، تمرکزگرا و تک حزبی	صفرمراد نیازف	۱۵ سال
قرقازستان	جمهوری ریاستی	نورسلطان نظربایف	۲۶ سال
قرقیزستان	تا سال ۲۰۱۰ جمهوری و بعد از آن پارلمانی	عسکر آقایف	۱۴ سال

منبع: (گردآوری شده توسط نویسنده، ۱۳۹۶)

گذشته از اقدامات فوق، ایالات متحده کوشید تا در کنار ایران، الگوی دیگری از اسلام را در این منطقه برجسته و معرفی کند. الگوی مطلوب آنها نظام سیاسی ترکیه بود که بر اساس سکولاریسم پیش می‌رفت. آنها اگرچه الگوی سوم یعنی بنیادگرایی مورد حمایت عربستان و پاکستان را در این مناطق می‌دیدند اما تلاش جدی برای سرکوب آن انجام نمی‌دادند. از نظر آمریکا این الگو می‌توانست تا زمان غالب شدن الگوی مطلوب، جلوی گسترش نفوذ ایران را بگیرد و رقیبی برای ایران باشد (فرجی راد و خوانساری، ۱۳۹۰: ۳۶). با وجود نقش برجسته غرب در برداشت نادرست کشورهای آسیای میانه از اهداف و برنامه‌های ایران، با این حال برخی تحلیلگران معتقدند این شرایط ویژه کشورهای منطقه و نبود مسلمانان شیعه و نیز سیاست خارجی عملگرایانه ایران در آسیای مرکزی بوده که موجب گردیده نفوذ ایدئولوژیک ایران در سطح منطقه در حد یک الگو و ایده حکومتی باقی بماند (یزدانی و فتاحی، ۱۳۸۷: ۱).

سه‌ساله سومی که در پخش سرایتی انقلاب ایران در آسیای میانه تاثیر منفی گذاشت جنبه‌های ایرانی و شیعی انقلاب ایران بود (Blank, 2014: 1). ایران در صدور انقلاب خود بیشتر به کشورهایی که دارای جمعیت‌های شیعه همچون عراق، فلسطین، لبنان و بحرین بودند نظر داشت تا

به مناطق آسیای میانه که حنفی‌مذهب بودند. به بیان جان اسپوزیتو: «با اینکه انقلاب ایران از جهت‌های گوناگون بر منطقه و جهان اثر گذاشته، اما ویژگی ایرانی بودن آن، اگر نگوئیم تاثیر مهمی در محدود کردن آن داشته، دست کم قالب و چشم‌انداز ویژه‌ای به آن بخشیده است. بسیاری از اندیشمندان سیاسی حتی طرفداران جدی انقلاب از اینکه انقلاب اسلامی به میزان زیادی خصلت‌های شیعی و ایرانی به خود گرفته گلايه‌مند هستند» (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۸۶).

مساله چهارم رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران در آسیای میانه است. ایران قصد صدور انقلاب خود به کشورهای رقبای منطقه‌ای را داشت که بخش‌هایی از آن ترک زبان و تمامی آنها اهل تسنن بودند. با نابودی اتحاد شوروی در پایان سال ۱۹۹۱ ترکیه بستر مناسبی برای گسترش نفوذ خود در آسیای میانه - که بیشتر مردم آن ترک زبان هستند - فراهم یافت. از نگاه رهبران ترکیه، پیوند زبانی مشترک با آسیای میانه از اجزای مهم تأثیرگذاری بر این منطقه محسوب می‌شد (Winrow, 1997: 109). ترک‌ها به این منطقه به عنوان فرصتی برای حفظ و نگهداری موقعیت بین‌المللی خود می‌نگریستند. پس طبیعی بود که بدنبال بهره‌مند شدن از پیوندهای نزدیک قومی، زبانی و فرهنگی در آسیای میانه و قفقاز برآیند. تبلیغ الگوی سیاسی آنها از سوی آمریکا نیز به آنها کمک می‌کرد در این راه با فراغ بال حرکت کنند. لذا الگوی غیر مذهبی و تمایل به غرب و ترکیه و وعده‌های سخاوتمندانه‌ای که ترک‌ها به شرکای شرقی خود ارائه می‌دادند، علاقه‌مندی زیادی را در این کشورها ایجاد نمود. لذا خیلی زود ایران و ترکیه دو رقیب جدی، هم در بحث الگوی سیاسی و هم مباحث اقتصادی، انتقال انرژی، مسائل فنی و مهندسی و ... شدند (Efegil, 2003).

همچنین ایران رقیب دیگری را نیز پیش روی خود داشت. چین که استان مسلمان‌نشین آن «سین کیانگ» در همسایگی این منطقه قرار گرفته، همواره نگران گسترش تمایلات جدایی‌طلبانه و احساسات اسلام‌خواهانه در کشور خود بوده است. (Menon, 2003: 197-198). لذا طبیعی بود که آنها نیز مشابه روس‌ها بکوشند از اهرم اقتصادی - نظامی در روابط خود با ایران برای کاستن از حمایت‌هایش از اسلامگراها استفاده کنند. در جدول ذیل رقبای ایران در آسیای میانه که به نوعی منافع آنها با صدور انقلاب ایران به این منطقه به خطر می‌افتاد و درصدد مهار آن برآمدند آورده شده است.

جدول شماره ۱: رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران در آسیای میانه

کشور	شاخص‌های اهمیت آسیای میانه برای قدرت‌های رقابت‌کننده
ایالات متحده آمریکا	<p>۱- مبارزه با اسلام‌گرایی و تروریسم؛</p> <p>۲- مقابله با نفوذ روسیه، ایران و رقابت با چین؛</p> <p>۳- حضور و نفوذ سیاسی-اقتصادی و امنیتی درازمدت؛</p> <p>۴- مقابله با نیروهای مخالف منافع آمریکا؛</p> <p>۵- دستیابی، استخراج و کنترل منابع نفت و گاز؛</p>
روسیه	<p>۱- مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم در آسیای میانه؛</p> <p>۲- ترس از گسترش اصولگرایی و اسلامگرایی؛</p> <p>۳- حفظ امنیت مرزهای روسیه؛</p> <p>۴- کنترل منافع استراتژیک و اقتصادی؛</p> <p>۵- تلاش برای احیای نفوذ خود در منطقه؛</p>
چین	<p>۱- مبارزه با اسلامگرایی و مبارزه با جدایی‌طلبی در آسیای میانه و استان سین کیانگ؛</p> <p>۲- مقابله با رشد اسلامگرایی و اندیشه‌های تندروانه؛</p> <p>۳- دسترسی به منابع انرژی و بازارهای این منطقه؛</p> <p>۴- جلوگیری از نفوذ سایر رقبا در منطقه بویژه آمریکا؛</p>
ترکیه	<p>۱- حفظ موقعیت بین‌المللی خود؛</p> <p>۲- مبارزه با تروریسم؛</p> <p>۳- ترس نفوذ ایران؛</p> <p>۴- حفظ منافع اقتصادی؛</p>
عربستان	<p>۱- ترس از نفوذ ایران؛</p> <p>۲- گسترش وهابیت؛</p> <p>۳- جلوگیری از تبدیل شدن ایران به یک الگوی سیاسی؛</p> <p>۴- کنترل و مدیریت جریان‌های اسلامگرا</p>

نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان اذعان نمود که اگرچه انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگترین رخدادهای قرن بیستم محسوب می‌شود و بازتاب فراوانی در سطح ملی و فراملی داشته است اما در برخی از مناطق همچون آسیای میانه نتوانسته است تاثیر چشمگیری داشته باشد. بر اساس نظریه پخش؛ اولاً در مبدا پخش یعنی داخل ایران ظهور قرائت‌های جدید از صدور انقلاب و شرایط داخلی کشور عملاً امکان بازتاب انقلاب را تحت تاثیر سیاست خارجی عملگرایانه دولت قرار داد؛ ثانیاً در مقصد پخش دولت‌هایی وجود داشتند که متاثر از جو منفی ایجاد شده علیه اقدامات جمهوری اسلامی ایران و بواسطه ماهیت نظام سیاسی استبدادی خود نگرانی‌هایی نسبت به فعالیت‌های ایران در کشورهای خود داشتند و کوشیدند تا آن را محدود سازند و بر سازمان‌های اسلامی سخت‌گیری بیشتری نمایند. ثالثاً به لحاظ زمان پخش، هم با گذشت زمان انرژی صدور انقلاب در ایران فروکش کرده بود و هم اسلام‌هراسی متاثر از ایده برخورد تمدن‌ها امکان تحقق آن را سخت کرده بود. رابعاً در موضوع پخش، جمهوری اسلامی ایران جز در ترویج مبارزه با اسرائیل و حمایت از دولت اسلامی و اجرای شریعت کار چندان دیگری نمی‌توانست انجام دهد و در دو مورد فوق نیز چندان موفق نبود. به لحاظ نوع پخش مشکلات جدی در هر سه شیوه پخش جابجایی، سلسله مراتبی و سرایتی وجود داشت و رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران راه را بر حضور پررنگ تهران در این منطقه بسته بودند.

منابع

الف- فارسی

- ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۸)، «تنش‌زدایی در سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۳، شماره ۴.
- اسپوزیتو، جان، (۱۳۸۲)، *انقلاب اسلامی ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- امیری، عبدالله، (۱۳۸۵)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
- آقایی، داوود، (۱۳۸۶)، «جایگاه اتحادیه اروپا در سیاست خارجی دوران سازندگی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۳.
- آقایی، سید داوود؛ دمیری، محمدرضا، (۱۳۹۳)، «بررسی نقش بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی (مطالعه موردی ازبکستان)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۱۸.
- آکیز، شیرین، (۱۳۶۷)، *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ترجمه محمد حسین آرایا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- باقری دولت آبادی، علی؛ شفیعی، محسن، (۱۳۹۳)، *از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌انگاری*، تهران: تیسا.
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۸۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۵، شماره ۸.
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۹۱)، *نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- بنینگسن، الکساندر؛ براکس آپ، مری، (۱۳۷۰)، *مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جردن، تری؛ راونتري، لستر، (۱۳۸۰)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.

- جلالی، علی احمد، (۱۳۸۲)، «همکاری‌های همه‌جانبه ایران و روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای میانه و قفقاز، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- حجتی، امیر رضا؛ حجتی، ایرج، (۱۳۹۵)، «طرح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه»، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره ۹.
- خانی آرانی، الهه؛ برزگر، ابراهیم، (۱۳۹۰)، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در اروپای غربی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۶.
- خرمشاد، محمد باقر، (۱۳۹۰)، بازتاب‌های انقلاب اسلامی، تهران: سمت.
- خمینی، روح الله، (۱۳۸۵)، صحیفه نور، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ذاکر صالحی، غلامرضا؛ صالحی نجف آبادی، مائده، (۱۳۹۱)، «ارائه راهبردهایی برای جذب دانشجوی خارجی در ایران»، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال ۴، شماره ۳.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۶)، تضاد و توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- سلیمی، حسین؛ هفت آبادی، مریم، (۱۳۸۷)، «ملاحظات امنیتی سیاسی چین در آسیای مرکزی: (۲۰۰۵-۱۹۹۱)»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱، شماره ۲.
- شکویی، حسین، (۱۳۶۴)، جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شیرازی، ابوالحسن، (۱۳۸۴)، «تداوم سیستم اقتدارگرایی در آسیای مرکزی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۷.
- فرجی‌راد، عبدالرضا؛ خوانساری، جواد، (۱۳۹۰)، «از ظهور اسلام در خراسان بزرگ تا بنیادگرایی در آسیای مرکزی»، پژوهشنامه خراسان بزرگ، سال ۲، شماره ۳.
- فولر، گراهام، (۱۳۷۳)، قبله عالم، ژئوپلتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۸)، روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه (عصر نوین همکاری‌ها)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه.
- کولایی، الهه، (۱۳۸۴)، «زمینه‌های بنیادگرایی در آسیای مرکزی»، فصلنامه سیاست،

شماره ۶۷.

- کولایی، الهه؛ جواد خوانساری، محمد، (۱۳۹۲)، «جمهوری اسلامی ایران و بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۹، شماره ۳.
- یزدانی، عنایت الله، (۱۳۸۳)، «نقش اسلام در آسیای میانه پس از فروپاشی شوروی»، *فصلنامه مطالعات آسیای میانه و قفقاز*، شماره ۴.
- یزدانی، عنایت الله؛ فتاحی، سید احمد، (۱۳۸۷)، «تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر حرکت‌های اسلامی در آسیای مرکزی»، *فصلنامه علمی پژوهشی متین*، شماره ۳۹.

ب- انگلیسی

- Abedi Gonabad, Reza; Fayaz, Ebrahim, Naderi, Ahmad, (2017), "Take a Look at the Barriers to Exporting the Islamic Revolution in the Middle East", *International Journal of Scientific Study*, Vol.5, Issue.4.
- Blank, Stephen, (2005), "After Two Wars: Reflections on the American Strategic Revolution in Central Asia", *Strategic Studies Institute*, available at: www.carlisle.Army.mil/ssi/newsletter.cfm.
- Blank, Stephen, (2014), "Is Iran Making a Comeback in Central Asia?", *The Central Asia-Caucasus*, available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13055-is-iran-making-a-comeback-in-central-asia?.html>.
- Demir, Idris, (2009), "Iran in Central Asia: 1990-2000", *SDÜ Fen Edebiyat Fakültesi Sosyal Bilimler Dergisi*, May 2009, Vol.19.
- Druzhilovsky, Sergey, (2017), "Iran-Russia Interaction in the Neighboring Regions", in: *Dynamics of Iran-Russia Relations; Changing Regional and International Scenes and the Necessity of Cooperation*, *Institute for Regional Studies (IRS)*, available at: <https://www.sbu.ac.ir/DocLib2>.
- Efeğil, Ertan; Stone, Leonard A, (2003), "Iran and Turkey in Central Asia: Opportunities for Rapprochement in the Past War Era", *Journal of Third World Studies*, Vol. 20 Issue 1.
- Herzig, Edmund, (2004), "Regionalism, Iran and Central Asia", *International Affairs*, Vol. 80, No. 3.

- Hunter, Shireen, (1996), "Islam in Post-Independence Central Asia: Internal and External Dimensions", *Journal of Islamic Studies*, Vol.7, No.2.
- Hunter, Shireen, (1988), "Iran and the Spread of Revolutionary Islam", *Third World Quarterly*, Vol. 10, No. 2.
- Hunter, Shireen, (2002), "Religion, Politics and Security in Central Asia", *SAIS Review*, Vol. 21, No. 2, available at: https://www.researchgate.net/.../236763971_Religion_Politics_and_Security_in_Central_Asia.
- Ibrahimov, Rafael, (2017), "Russia, Iran, and Turkey in Central Asia: A Nexus of Minor Tensions", *Institute for Global Change*, Available at: <https://institute.global/insight/co-existence/russia-iran-and-turkey-central-asia-nexus-minor-tensions>.
- Keddie, Nikki, (1980), *Oil, Economic Policy and Social Conflict: Race and Class*, Landon, Frank Cass.
- Menashri, David, (2007), "Iran's Regional Policy: Between Radicalism and Pragmatism", *Journal of International Affairs*, Vol.60, No.2.
- Menon, Rajan, (2003), "the New Great Game in Central Asia", *Survival*, Vol. 45, No.2.
- Mesbahi, Mohiaddin, (1994), "Iran and Tajikistan", in *Iran and Tajikistan in Regional Power Rivalries in the New Eurasia: Russia, Turkey, and Iran*, eds. Rubeinstein Alvin Z. and Ole M. Smolansky, Armonk, New York: M.E. Sharpe.
- Milani, Mohsen; Mankoff, Jeffrey, (2016), *Iran in a Reconnecting Eurasia: Foreign Economic and Security Interests*, Lanham, MD: Rowman and Littlefield.
- Oliker, Olga; Shlapak, David, (2005), *U.S. Interests in Central Asia: Policy Priorities and Military Roles*, Rand Project Air force.
- Palloni, Alberto, (2007), "Theories and Models of Diffusion in Sociology"; *Center for Demography and Ecology University of Wisconsin, USA*.
- Peyrouse, Sebastien, (2014), "Iran's Growing Role in Central Asia? Geopolitical, Economic and Political Profit and Loss Account", *Aljazeera*

Centre for Studies, 6 April 2014, available at: <http://studies.aljazeera.net/en/dossiers/2014/04/2014416940377354.html>.

- Wastnidge, Edward, (2014), "Pragmatic Politics: Iran, Central Asia and Cultural Foreign Policy," *Central Asia and the Caucasus*, Vol.15, No.4.

- Winrow G.M. (1997), Turkish Policy in Central Asia. In: Mozaffari M. (eds) *Security Politics in the Commonwealth of Independent States*, Palgrave Macmillan, London.

